


■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۲۸۱ ■ دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۸

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ <p>پایه‌کد: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مستدق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> چاپ: شرکت چاپ جام‌جم – همشورۍ – سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی	
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ اثر شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۸۷ (۰۲۱)	
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ www.iran-newspaper.com	

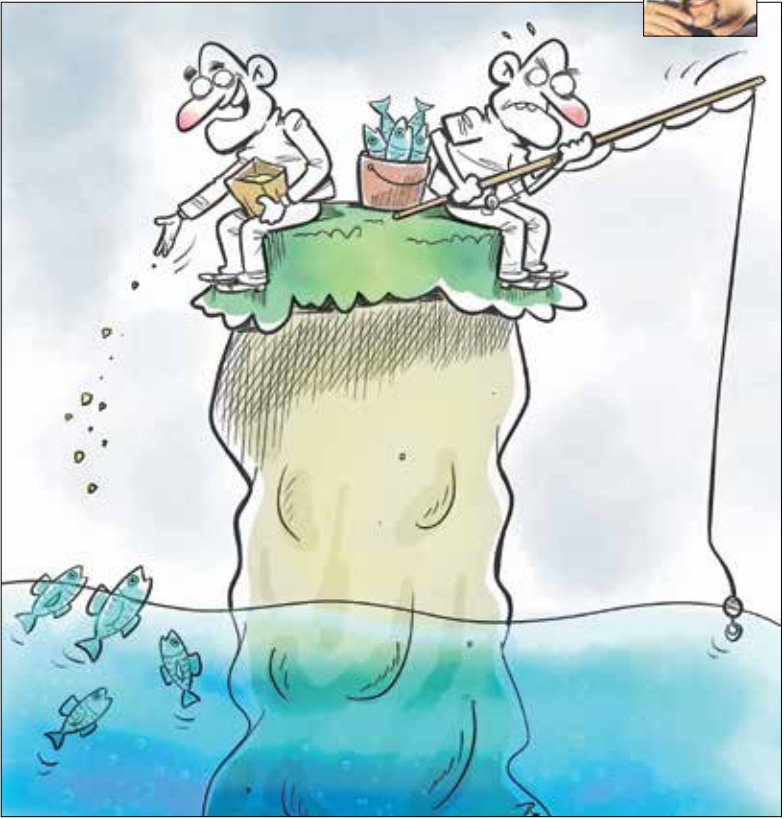
اذان ظهر ۱۲/۱۸   اذان مغرب ۱۸/۰۶   نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶   اذان صبح فردا ۵/۲۴   طلوع آفتاب فردا ۶/۴۸	
<b>امام صادق علیه السلام:</b> در آسمان دو فرشته برندگان گماشته شده‌اند پس هرکس برای خدا تواضع کند، او را بالا برند و هر کس تکبر ورزد او را پست گردانند.	
<b>سخن روز</b>	کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۲

نگاره

علیرضا پادکل



ضدوتقیض



مجال‌ی برای گفت‌وگو از دریچه جایزه‌های ادبی

## نیاز داستان‌نویسی امروز به هیجان و تعامل

نهمین دوره جایزه‌های ادبی هفت اقلیم، هفتم اسفندماه سال جاری با معرفی آثار برگزیده در بخش مجموعه داستان و رمان به کار خود پایان می‌دهد. داوران این دوره از جایزه را در بخش مجموعه داستان، علی خدایی، ناهید طباطبایی و هادی نودهی و در بخش رمان، صمد طاهری، رضازنگی آبادی و حسن محمودی برعهده داشته‌اند.

## چالش روز



**حسن محمودی** نویسنده و منتقد ادبی

از من درباره ارزیابی ام از رمان‌هایی که در داوران جایزه هفت اقلیم خوانده‌ام پرسیدید. نکته‌ای که همین ابتدا باید بر آن تأکید کنم این است که من تنها آثاری را خوانده‌ام که از سوی دبیرخانه به دستم رسیده است. بنابراین داوران و ارزیابی من تنها نسبت به مقایسه این کتاب‌ها با یکدیگر است. نمی‌دانم، لابد در مرحله مقایل نیز گزینشی انجام شده است و شاید برخی آثار نیز در این جایزه شرکت داده نشده‌اند. بنابراین داوران در چنین وضعیتی به مثابه نظر دادن بین تعدادی محدود اثر است. چیزی که با نگاهی کلی به این کتاب‌ها می‌توان فهمید روند رمان‌نویسی ایرانی معاصر در دهه نود است. رمان‌های خوبی نوشته می‌شود و خوشبختانه آثار خوب دیگری هم هستند که خارج از روند جایزه‌ها خوانده می‌شوند، آثاری که شاید در داوران جایزه‌ها حضور نداشته باشند و قبل از هر چیزی در افکار عمومی برنده می‌شوند که از آنها استقبال می‌شود. نکته‌ای که در این بین نباید فراموش کرد این است که اقبال به یک رمان را نباید تنها در تعداد نسخه‌هایی که خوانده می‌شود جست‌وجو کرد بلکه باید نگاهی فراتر داشت و میزان اثرگذاری آنها در بین مخاطبان را دید. به عقیده من داستان نویسن ایرانی کارش را آن‌طور که باید بلد است و تا آنجا که فرصت و مجالش را دارد، خوب می‌نویسد. در بین آثاری که برای این داوران خواندم کتاب‌های خوبی یافتم که به دیگران پیشنهاد خواندن آنها را می‌دهم. در واقع

## بینا منصوری: قوانین شورای صنفی نمایش را نمی‌دانیم

از سوی شورای صنفی نمایش اعلام نشده که فیلم‌هایی که هم‌زمان با جشنواره فیلم فجر اکران شده‌اند، چند روز می‌توانند فرصت اکران اضافه داشته باشند. قوانین شورای صنفی نمایش را بسیاری از دوستان سینماگران نمی‌دانند و به همین دلیل نمی‌توانند حق خود را دریافت کنند.

این تهیه‌کننده از شفاف نبودن قوانین شورای صنفی نمایش انتقاد کرد.



این تهیه‌کننده از شفاف نبودن قوانین شورای صنفی نمایش انتقاد کرد.

صد و هفده سال از تولد صادق هدایت گذشت

# نویسنده همه فن حریف

صادق هدایت ۲۸ بهمن سال ۱۲۸۱ در تهران به دنیا آمد و بعدها به یکی از نویسندگان، مترجمان و روشنفکران سرشناس ایرانی تبدیل شد که آوازه آثارش همان زمان از مرزهای جغرافیایی ایران بیرون رفت و زمانی مثل «یوف کور» توانست معرف داستان نوآلبتّه تازه پا گرفته ایرانی باشد که هدایت یکی از بنیان‌گذاران آن بود. بعد از جمال‌زاده، هدایت، بزرگ علوی و صادق چوبک بودند که پرچمداران داستان‌نویسی نوین ایرانی لقب گرفتند و آیندگان را وامدار هر آنچه نوشتند کردند. اگر چه رمان «یوف کور» هدایت مشهورترین و البته درخشان‌ترین اثر ادبیات داستانی او و ادبیات داستانی معاصر ایران به حساب می‌آید اما هدایت نیز، مثل بسیاری از هم‌دوره‌ای‌ها و هم‌قطاران‌ش در ترجمه و تحقیق ید طولایی داشت و کارهای ارزشمندی از خود به جا گذاشت. هدایت که زبان پهلوی می‌دانست آثاری از متون کهن ایرانی مانند زند و هومن یسن ترجمه کرد و به مدد دانش زبان فرانسه اش آثاری از آنتوان جخوف و فرانتس کافکا و آرتور شنیترسلر و ژان پل سارتر را هم ترجمه کرد و از آثار کسی مثل کافکا بسیار الهام گرفت و می‌شود نزدیکی و قرابت بسیاری بین این دو نویسنده دید. صادق هدایت ۱۹ فروردین سال ۱۳۲۰ در پاریس خودکشی کرد و چند روز بعد در قطعه ۸۵ گورستان پرلاشز به خاک سپرده شد.

هدایت در دوره‌ای زندگی کرد که نویسنده‌ها همه فن حریف بودند و اگر نگاهی به لیست نویسندگان و اهالی فرهنگ آن دوره بیندازیم با این ویژگی عمومی روبه‌رو می‌شویم که آنها صرفاً در یک رشته و یک فن، قلم نمی‌زدند و مثل حکمای قرون پیش از خود، در امور دیگر نیز دستنی داشتند که از آنها چهره‌هایی جامع‌الاطراف می‌ساخت.

## یاد



**اسدالله میراجی** مترجم

ترجمه چیست؟ آیا تنها برگرداندن واژه‌ها از زبان مبدأ به زبان مقصد است. یکی از ویژگی‌های ترجمه خوب آن است که دل مخاطب را بریابد. ترجمه‌های صفدر تقی‌زاده از جمله آثار شاخص در ادبیات ایران به شمار می‌آید. مترجمی که نه تنها در برگردان آثار از انگلیسی به فارسی بلکه ترجمه فارسی به انگلیسی نیز ذهن و قلم توانایی دارد. او از نسل مترجمانی همچون نجف دریابندری و محمدعلی صفریان است که بدون شک نسلی کم‌نظیر در ادبیات ایران‌اند. باید سالیان سال به انتظار نشست تا همانند آنها در عرصه ادبیات این سرزمین پدیدار شود. نخستین بار او را در جشنواره فیلم آبادان دیدم. با وجود اینکه سال‌ها از آبادان فاصله بود اما خورگرمی مردمان این منطقه در جودش موج می‌زد. با دیدن سینما نفت خاطرات خوش قدیم و لذت تماشای فیلم در آن سینما در دلش زنده شد و گفت: «آن زمان در این شهر ۱۹ سینما وجود داشت که مهم‌ترین آن سینما نفت بود و در طول هفته حداقل دو یا سه فیلم انگلیسی و آمریکایی به زبان اصلی نمایش می‌داد. آنها هم‌زمان در آمریکا و انگلیس نمایش داده می‌شد، ما به‌صورت دائم این فیلم‌ها را می‌دیدیم و این امر تأثیر فوق‌العاده‌ای در یادگیری زبان انگلیسی ما داشت.» با ناصر تقوایی که سالیان درازی است ارادت و علاقه بسیاری به هم دارند در خیابان‌های آبادان راه می‌رفتند و از خاطرات خود می‌گفتند. من هم با فاصله‌ای اندک از آنها قدم می‌زدم تا مزاحم خلوشان نباشم. دو نفر از ستون‌های سینما و ادبیات ایران در کنار یکدیگر گام می‌زدند و از گذشته و حال می‌گفتند. تقی‌زاده درباره زندگی‌اش در آبادان می‌گفت: «من در آبادان به سال ۱۳۱۱ متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه فرهنگ آبادان گذراندم. بعد به دبیرستان رازی رفتم و یکی دو سالی در دبیرستان رازی بودم و از آنجا پس از گذراندن امتحانی در آموزشگاه فنی آبادان به تحصیل ادامه دادم. اما در دبیرستان رازی بود

## محمد الهیاری: بلیت جشنواره موسیقی گران نشده است

همواره قیمت بلیت‌های جشنواره موسیقی فجر حدود ۲۰ درصد نسبت به کنسرت‌های معمولی ارزان‌تر است. امسال در برخی ردیف‌ها به عنوان مثال اگر قیمت بلیت ۴۰ هزار تومان بوده حدوداً به ۵۰ هزار تومان افزایش پیدا کرده است و در برخی سطوح نیز نسبت به سال گذشته تغییری ایجاد نشده است. مدیر کل دفتر موسیقی درباره بلیت فروشی جشنواره موسیقی فجر توضیح داد.



مدیر کل دفتر موسیقی درباره بلیت فروشی جشنواره موسیقی فجر توضیح داد.

## ■ ■

## شاید ترجمه شاملو از لورکا یا هدایت از سارتر و کافکا، ترجمه‌های عین به عین و دقیقی از زبان مبدأ نباشند، اما ترجمه‌های دلچسب و شیوایی هستند که امضای خاص خود را دارند و ما امروز کافکا را با هدایت و لورکا را با شاملو می‌شناسیم

به‌عنوان مثال کسانی مثل شاملو، آل احمد و... هم نویسنده، هم مترجم و هم محقق و پژوهشگر بودند و اتفاقاً در همه این حوزه‌ها نیز به سبب اشراف، سواد و بینش خوبی که داشتند خوش درخشیدند و آثاری قابل توجه و ماندگار از خود به یادگار گذاشتند. امروز ما کمتر شاهد چنین مسأله‌ای هستیم و این موضوع برآمده از شرایط خاص تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن دوره بود و طبیعی است که امروز مثل آن روزگار نباشد و هر دوره‌ای ثمره و حاصل بروز و ظهور اتفاقات همان دوره است. صادق هدایت در ترجمه هم بسیار کار کرده بود و آثار شاخصی را ترجمه کرد از قبیل آثار کافکا که روی خود او هم تأثیر بسیاری داشت و این تأثیر را می‌توانیم در خلال آثار او بازشناسی کنیم. ترجمه‌های هدایت، مانند بسیاری از ترجمه‌های دوره خود، بیش از آنکه ترجمه باشند، تألیف هستند و برآمده از ذوق ادبی مترجم.

این مسأله نیز بسیار طبیعی است و ما در مورد شاملو و

## خون گرم قلم صفدر تقی‌زاده در رگ‌های ادبیات نسلی به یاد ماندنی

## نماینده یک نسل کم‌نظیر

که با دنیای هنر و ادب آشنا شدم. وقتی به دانشکده نفت آبادان رفتم با عالم دیگری آشنا شدم. دبیران آنجا بیشتر دبیران انگلیسی بودند که از طرف شرکت نفت به آبادان آمده بودند. فضای حاکم بر شهرهای جزب بخصوص آبادان که ما در آن زندگی می‌کردیم، فضایی مساعد برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری بود.»

مدتی بعد دیدار ما در اصفهان بود هنگام برگزاری جایزه ادبی اصفهان؛ آنجا هم به اتفاق همسر و بانوی گرامی‌اش آمده بود که همیشه به رسم مهربانی در کنارش است در جایزه‌ای که به همت علی خدایی عزیز وزنده یاد راون قو‌کاسیان برگزار می‌شد. آنجا نیز درباره داستان کوتاه گفت: «یکی از ویژگی‌های داستان کوتاه خوب آن است که در همان بار اول خواندن، دل خواننده‌اش را بریابد.»

ترجمه چیست؟ یا گفته صفدر تقی‌زاده «یک ترجمه خوب ادبی ترجمه‌ای است که خواننده هنگام خواندن آن از هر یک از جمله‌ها و پاراگراف‌هایش لذت ببرد. همان‌طور که وقتی یک اثر داستانی از یک نویسنده خوب می‌خواند لذت می‌برد. در یک ترجمه خوب یک خواننده اهل می‌فهمد که ظرف‌ات‌های نوشته اصلی بازآفرینی شده یا خیر. خلاقیت در ترجمه به‌کاررفته یا خیر. همین ریزه‌کاری‌ها و تردستی‌های به کار گرفته‌شده در زبان ترجمه است که آن را به‌صورت یک کار خلاقه ادبی درمی‌آورد. هر قدر که قریحه ذاتی مترجم قوی‌تر باشد، کیفیت زبان ترجمه دل‌نشین‌تر از کار درمی‌آید. به نظر من همین قریحه ذاتی است که خلاقیت هنری و ادبی می‌آفریند اما حاصل ترجمه مکانیکی که در آن بدون زحمت فکری فقط به انتقال مفاهیم بسنده شده باشد، غالباً خشک و بی‌روح است.»

و همه این‌ها مرا به یاد گفته سیفالله داد می‌اندازد که درگذر از خیابانی در آبادان با شوق و افتخار می‌گفت من همین‌جا با چشم‌ان خودم کارگری را دیدم که کتابی را گشوده بود و می‌خواند. اینگونه است که می‌توانیم به رمز و راز کار نویسندگان و مترجمانی که آثاری پدید آورده‌اند که هم آحاد گوناگون جامعه می‌توانند با لذت آنها را بخوانند و هم این ویژگی را دارند که در حافظه تاریخی نخبگان یک سرزمین ماندگار شوند بی‌بریم.



بود که خود ساختمان هم آدم را به خنده می‌انداخت و تبسمی به لب می‌نشاند. توفیق، مکتبی برای طنز و کاریکاتر بود که جوان‌های علاقه‌مند را از همه جای ایران دور خود جمع کرده بود و به آنها خبیر یاد می‌داد و همین‌ها نسل به نسل طنزنویسی را ادامه دادند. امروز چنین مرکزی که مثل دانشگاه عمل می‌کردند آنجا گپ‌وگفت می‌کردیم. آن‌جا می‌توانست مرکز طنزنویسانی باشد که همچنان فعال هستند و استعداد‌های نو را دور هم جمع کند. تخریب چنین ساختمان‌هایی باعث می‌شود که ما از نجابت شهر خود کم کنیم و نباید چنین اتفاقی بیفتد. من از همه مدیران فرهنگی و مسئولان در شورای شهر و شهرداری می‌خواهم که توجهی ویژه به این ساختمان‌ها داشته باشند، چون اینن ساختمان‌ها، نه فقط ساختمان‌هایی قدیمی، بلکه ساختمان‌هایی با ریشه‌های مهم فرهنگی هستند که می‌توانند مرکزی باشند برای رشد و پرورش نسل‌های جدید. نو شدن نباید مساوی با تخریب گذشته باشد.



آن گوشه دنج سمت چپ مهدی ربی نشر چشمه

خودم هم می‌دانم که این دلیل واقعی دیدن‌هایم نیست. شاید از اولین شکست عاطفی دوران دبیرستان شروع کرده‌ام. شاید هم برای رهایی از اضطراب‌های دوران امتحانات دانشگاه یابرای فراموش کردن سؤال‌های بدون جواب. چه تفاوتی می‌کند؟ هر چه جلوتر آمده‌ام بیشتر دودیده‌ام.

## ● ●

چهره‌های شاخص دیگر ادبیات معاصر هم این نکته را می‌بینیم. شاید ترجمه شاملو از لورکا یا هدایت از سارتر و کافکا، ترجمه‌های عین به عین و دقیقی از زبان مبدأ نباشند، اما ترجمه‌های دلچسب و شیوایی هستند که امضای خاص خود را دارند و ما امروز کافکا را با هدایت و لورکا را با شاملو می‌شناسیم.

هدایت همکاری‌های خوبی با حسن قائمیان هم داشت و در دوره‌ای هم ترجمه و تفریظ‌هایی با هم داشتند که آثار بسیار خوبی از آب درآمد و هنوز هم خوانده می‌شوند و ماندگاری خود را حفظ کردند.

امروزه، ما با دوره‌ای طرف هستیم که همه چیز بسیار تخصصی شده و هر کسی در رشته و حوزه‌ای تخصص دارد و بی‌شک آن زمان، رفت‌وآمد به کشورهای دیگر و نشست و برخاست‌های ادبی با چهره‌های هنری و فرهنگی به رشد و پیشرفت جامعه فرهنگی کشور کمک می‌کرد و امروز زمانه‌ای است که همه چیزش مربوط به دوره و شرایط خودش است و نمی‌شود امروز به‌دنبال کسی مثل هدایت

گشت و گفت چرا کسی دیگر مثل هدایت به دنیا نمی‌آید.

هدایت‌ها محصول دوران خود

نبودند.

دیروز صبح برق بسیاری از مناطق شهر تهران و چند شهر دیگر قطع شد. خیلی‌ها از این قطع سراسری برق تعجب کرده بودند تا اینکه سخنگوی صنعت برق اعلام کرد با توجه به برودت و سرمای هوا و بالا رفتن مصرف گاز در کشور متأسفانه تعدادی از نیروگاه‌هایی که با سوخت گاز کار می‌کنند با مشکل تأمین سوخت مواجه شده‌اند و خاموشی‌های اضطراری ناشی از محدودیت سوخت نیروگاه هاست و برای پایدار نگه داشتن شبکه برق بسیار ضروری است.

از لحظه‌های اول کاربران اعلام می‌کردند برق منطقه محل کار یا سکونت‌شان قطع شده و از مشکلاتی که با این قطعی برق پیدا کرده‌اند می‌نوشتند. وقتی هم دلیل خاموشی اعلام شد از این می‌نوشتند که دلیل به نظر‌شان عجیب است و حتی باورش نمی‌کردند: «برق قطع شده و تلفن اداره برق هم یکسره بوق اشغال می‌زنه.» «منطقه ۴ دو ساعت و نیم برق قطع بود نکته جالب قطعاً اینجاست شماره ۱۲۱ خرابی برق هم از کار افتاده بود!» «به روز من دستم پر بودا برق قطع شده، برق اضطراری هم قطع بود. نتیجه اینکه با این ربه ناقص بیست دقیقه‌ست نمیتونم ۷ طبقه رو بیام بالا.» «برق نصف تهران قطعاً اینترن‌ت هم که از صبح وایولاست از بس قطع و وصل شده»، «چرا اینقدر گاز زیاد مصرف می‌کنید که برق قطع میشه؟»، «برق منطقه‌های ۷-۸-۶-۶ اینا قطع شده سراسری و ما از ۴ صبح برق نداریم گوشیمم شارژ نداره»، «من میدونم کرونا اومده اینا برق رو قطع کردن مردم نفهم (جدیدترین تحلیل تاکسیرانی)»، «با شروع جلسه دفاع خواهرم، برق قطع شد! جالبه تو جلسه دفاع از پروپوزال‌ش هم برق قطع شد ولی این خواهر من به قدری خونسرده که حد نداره، میگه پیش میاد دیگه، همین‌طوری اراشه می‌دم»، «میگن گاز زیاد مصرف کردید برق رو قطع کردیم... آقای رئیس دستت درد نکنه ماها شمع روشن می‌کنیم شما نگران نباش...»، «خیلی جاها برق قطع شده اردبیل هم قطع شده بود. میریم به عصر بخندان»، «دوباره مردم مقصر شناخته شدند!»، «چرا برق نداریم؟ الان سرکار حوصلمان یوکید. نزدیک مطهری کسی مطهری نیست به نیم کیلو برق بهمون بده»، «وقتی دوساعت برق میره به تبعش آب قطع می‌شه، رادیاتور‌ها هم خاموش می‌شه، ماشین هم به خاطر ریموت پارکینگ همونجا می‌مونه؛ در یک کلام رسماً فلج می‌شی، قبلاً آب و گاز سرچاش بود دیگه!»، «سخنگوی صنعت برق گفته مصرف بیش از اندازه گاز، علت قطع برق در استان تهران و استان‌های شمالی کشوره. به لحظه آب کم مصرف کنبد تلفناً قطع نشه امروز خیلی کار دارم»،

«زنگ زدیم اداره برق خانمه میگه از ۹:۳۰ خیلی جاها قطعه به‌خاطر بالا رفتن مصرف برق، هوا خیلی سرده! گیر آوردید مارو؟»، «از وضعیت اینترن‌ت نداریم، عوضش برق داریم» به وضعیت «اگه برق نداریم، عوضش هوا داریم» تغییر وضعیت دادیم.»



این تصویر مربوط به یک منطقه صنعتی در تهران است.